

توبه و طهارت باطنی

۳- توبه

یکی دیگر از عوامل مهم برای تطهیر باطن توبه است که قذارات گناهان را که مانع اصلی از تقرب انسان به خداوند و پیوستن به اوست، می زداید و آئینه دل را برای تابش نور ایمان و محبت به حق مستعد می نماید. زیرا تمام قوای ظاهریه و باطنیه که خداوند متعال به انسان ارزانی فرموده امانتانی است الهی که در آغاز از تمام قذارات و کدورتها پاک و منزّه و به نور فطرت روشن بوده است، ولی با تعامس انسان با ورطه تاریک عالم طبیعت و آلوده شدن به تصرفات شیطانی و گناهان به انواع قذارات و پلیدیها و کدورتها آلوده می شوند، و این امور همچون حجابی تیره مانع از تابش نور ایمان شده و راه عروج و رجوع انسان را به سوی جوار قرب الهی و اتصال به حق مسدود می کند. پس: **اولاً** خیانت در امانت، و شکستن پیمان و اطاعت از شیطان روا نیست.

«والذین هم لا اماناتهم وعهدهم راعون» (مؤمن/۸)

و چه امانتی بالاتر از امانت الهی و چه عهدی مهمتر از عهد الهی.
«الم اعهد اليكم يا بنى آدم ان لا تعبدوا الشيطان انه لكم عدو مبين» (یس/۶۰)

و ثانیاً: اگر خیانتی یا پیمان شکنی شد باید بلافاصله با توبه آن را جبران کرد تا راه بازگشت به حق گشوده شود و با آب رحمت نازل از سماء غفارت او از گناه تطهیر شود که:

«ان الله يحب التوابين ويحب المتطهرين» (بقره/۲۲۲)

همانا خداوند توبه کنندگان و پاکیزگان را دوست میدارد.
«ومن يعمل سوءاً او يظلم نفسه ثم يستغفر الله يجد الله غفوراً رحيماً»

(نساء/۱۱۰)

و هرکس کار بدی کند یا به خویش ستم نماید آنگاه از خداوند طلب آمرزش کند خدا را آمرزگار و مهربان می یابد.

پس طهارت از گناه که به وسیله توبه و استغفار و بارش باران رحمت حق و مغفرت او حاصل می شود از مقدمات و شرائط بسیار مهم قبولی نماز است، زیرا با توبه و زدودن آرایش و ظلمت گناه است که انسان شایسته تقرب به حق می شود و معلوم است که مهمترین وسیله تقرب به او نماز است در صورتی که مقبول باشد و نماز مقبول مشروط به طهارت باطنی است و بدین جهت است که هنگام شروع وضو دست بردن به سوی آب مستحب است گفته شود:

«بسم الله وبالله اللهم اجعلني من التوابين واجعلني من المتطهرين».

زیرا آب وسیله طهارت ظاهری و موجب صحت نماز است. و آب توبه و رحمت حق منشأ طهارت باطنی و موجب قبولی نماز است، و این دعا در هنگام شروع وضو ما را به سوی این معنی و ضرورت تحصیل آن توجّه می دهد.

بنابراین بین توبه و نماز ارتباطی است ناگسستی و این توبه است که زمینه را برای قبولی نماز فراهم می کند، همانگونه که نماز توبه را به ثمر می رساند و آثار گناه را از بین میبرد، همانطور که در روایت کافی از امام صادق (ع) درباره آیه «ان الحسنات يذهبن السيئات» فرمود:

«صلوة المؤمن بالليل تذهب بما عمل من ذنب بالتهار».

نماز مؤمن در شب گناهی را که در روز مرتکب شده از بین می برد. نکته دیگر آن که در بسیاری از آیات قرآن به همراه توبه عمل صالح آمده است مانند آیه:

«الا من تاب وعمل صالحاً فاولئك يبدل الله سيئاتهم حسنات وكان الله غفوراً رحيماً ومن تاب وعمل صالحاً فانه يتوب الى الله متاباً» (قرآن. آیات ۷۱ - ۷۰)

مگر آن کس که توبه کند و باور کند و عمل شایسته نماید، خدا بدیهایشان را به نیکیها تبدیل کند که خدا آمرزنده و رحیم است و هر که توبه کند و عمل شایسته کند به سوی خدا بازگشتی پسندیده دارد. پس توبه وقتی با عمل صالح همراه شود خداوند میثات را به حسنات تبدیل می فرماید و موجب بازگشت پسندیده به سوی خدا می شود. و بدیهی است که بهترین «عمل صالح» نماز است که «خیر العمل» نامیده شده و بدین سان، نماز بالاترین نقش را در کنار توبه در جهت تکامل و تقرب انسان به درگاه خداوند و خداگونه شدن وی دارا می باشد.

ماهیت توبه

همچنانکه اگر یک جامعه گرفتار ظلمت نباهی و ظلم باشد با:

- ۱- احساس همگانی در توبه و گرایش به حق و نفرت از باطل و ظلم.
- ۲- شوریدن نیروهای حق با یک قیام همگانی و قاطع بر نیروهای باطل و غلبه بر آن.
- ۳- محور تمام آثار شوم و میرانهای غلط نظام پیشین.
- ۴- برقراری احکام الهی و سرسپردن در برابر حق و عبودیت او.
- ۵- بازگرداندن حقوق ضایع شده و اصلاح امور مردم.

یک انقلاب الهی تحقق می یابد و جهاد اصغر جامعه عمل می پوشد. توبه نیز یک انقلاب الهی است و قیامی است قاطع با ویژگیهای فوق که در صحنه درونی فرد انجام می گیرد و جهاد اکبر را تحقق می بخشد. پس، توبه در حقیقت انقلاب و قیام علیه خود است و این «خود» حقیقی انسان است که علیه خود پنداری می شورد و نمودارهای خود پنداری را به بند می کشد و تحت کنترل و مسلطه خویش قرار می دهد.

انسان معجونی است از مجموعه قوای حیوانی، شیطانی و ملکوتی که ممکن است هر یک از این قوا- حاکمیت مطلقه را در ملک وجود او به دست گیرد و انسان به صورت حیوانی شهوت زده یا درنده یا شیطان صفت درآمده وجود او را گناه و زشتیها فرا گیرد، و در چنین حالی است که انسان به نفس خویش ظلم روا داشته است. ولی چنانچه روح ملکوتی و خود حقیقی او در تحت سیطره حیوانیت او به طور کلی مسخ یا مضمحل نشده باشد در مقابل گناه و ظلم مذکور واکنش نشان می دهد و با احساس نفرت از گناه و پشیمانی از آن به ناگهان تصمیم می گیرد و با یک جهش برق آسا خود را از تاروپود و زنجیرهای اسارت گناه می رهاند و اراده الهی در او حاکم و مستولی شده و تمام قوای طبیعی طغیانگر را در بند کنترل و در جهت بندگی حق قرار می دهد و بدین سان توبه انجام می گیرد و مسیر حرکت را از

ورطه سقوط به راه عروج و صعود به سوی حق و کمال مطلق تغییر جهت می دهد و در این راستا به جبران «مافات» و اصلاح مفاسد گذشته چه در رابطه با خالق و چه در رابطه با مخلوق قیام می کند. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره توبه و شرایط قبول و کمال آن چنین فرموده است:

«... ان الاستغفار درجة العتین وهو اسم علی سنة معان:

«استغفار» درجه انسانهای والا و بلند مرتبه است، و استغفار اسمی است که بر اساس شش معنی تحقق می یابد:

اولها التدم علی ماضی.

والثانی العزم علی ترک العود الیه ابدًا.

اول: پشیمانی از گذشته.

دوم: تصمیم قطعی بر عدم بازگشت به گذشته برای همیشه.

این دو ماهیت توبه را تشکیل می دهند و با تحقق آنها قیام درونی

انجام گرفته و بعد از آن توبت جبران و اصلاح است.

والثالث ان تؤدی الی المخلوقین حقوقهم حتی تلقی الله املس لیس علیک

نعمه.

والرابع ان تعمد الی کل فریضة علیک ضیعنها فتؤدی حفيها.

سوم: حقوق مردم را بپردازی تا با پاکی و بدون گناه و پسی آمدهای

آن به لقاء الله برسی.

چهارم: قصد کسی تمام واجباتی را که تفسیح کرده ای حق آن را

ادا کنی و این دو که ادای حق الناس و حق الله و جبران گذشته است

شرط قبول می باشند.

واللخامس ان تعمد الی اللحم الذی نبت علی السحت فتذیه بالاحران حتی

تلتصق الجلد بالعظم وینشأینهما لحم جدید.

والسادس ان تدیق الجسم الم الطاعة كما اذفته حلالة المعصبة فعند ذلك

تقول استغفرالله». (نهج البلاغه فیض حکمت/ ۱۰۹)

پنجم: همت گماری که گوشتی را که از حرام رویده است- به

آتش- اندوهها ذوب کنی تا پوست به استخوان بچسبد و بین آنها

گوشت تازه برآید.

ششم: رنج طاعت و بندگی را به تن بچشانی همان گونه که

شیرینی گناه را به آن چشاندی بودی- با تحقق چنین شرایط و مفاهیمی

است که می گویی «استغفرالله».

و این دو شرط کمال توبه است و تحقق چنین توبه ای غیر از آنکه

موانع را از سر راه قبولی نماز برمی دارد خود این توبه نماز مقبول را

می طلبد تا به کمال برسد و به ثمر بنشیند.

ادامه دارد